

کارگران همه کشور را متحد شوید!

## احزاب برادر به حزب توده ایران شادباش می گویند:

شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

### مستحکمتر باد دوستی میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و حزب توده ایران!

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران چنین پیام داده است:  
به کمیته مرکزی حزب توده ایران!

رفقای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران تبریکات گرم خود را به شما و همه اعضای حزب توده

ایران تقدیم می دارد.  
کمیته های شوروی به خوبی آگاهند که حزب توده ایران در مبارزه خلق ایران علیه دیکتاتوری شاه، علیه سیادت دولتهای امپریالیستی در کشور، در دفاع از منافع حیاتی زحمتکشان ایران نقش مهمی داشته است.  
برای شما رفقای عزیز در مبارزه فداکارانه در راه منافع طبقه کارگر و همه توده های زحمتکش، در راه صلح، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی آرزوی موفقیت داریم.  
بگذار دوستی میان حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی و حزب توده ایران، میان خلقهای اتحاد شوروی و ایران هر چه مستحکم تر گردد.

کمیته مرکزی  
حزب کمونیست اتحاد شوروی  
بقیه در ص ۸



شماره ۱۲۴ دوره هشتم  
سال سوم پنجشنبه ۷/۲۷/۱۳۴۵  
بها ۲۰ ریال

## درد بر کنفرانس ملی حزب توده ایران!

پیامهای شادباش بسیاری از سوی هسته های مخفی حزبی در داخل و واحدهای مختلف حزبی در خارج از کشور و نیز بطور منفرد از سوی اعضا و هواداران حزب در داخل و خارج به دفتر "نامه مردم" رسیده که متأسفانه به دلیل محدود بودن صفحات و کثرت مطالب ضروری، امکان انتشار آنها نیست. با تشکر از رفقا، تنها با انتشار گزیده هایی از چند پیام، به چاپ این سلسله پیامها پایان می دهیم.

گروهی از اعضا و هواداران حزب در داخل کشور ضمن نثار درود و افتخار به کنفرانس ملی که سردی جانکاه شرایط کار و فعالیت درج را گرمی شاد آور بخشید، از جمله یاد آور شده اند: "این رسم تاریخ است. راه دشمنی و نفی حزب توده ایران، راه خیانت به خلق و آرمانهای خلق و در نهایت راه امپریالیسم است. بعد از خیانت سران مرتجع ج.ا. به آرمانهای انقلاب مردمی بهمن ۵۷ و یورش به حزب، تلاشهای زیادی از طرف دشمنان حزب و بقیه در ص ۲

## همبستگی جهانی با مردم و زندانیان سیاسی ایران

### تظاهر کنندگان در سوئد خواستاریان جنگ ایران و عراق شدند

به کوشش "کمیته سوئدی علیه جنگ ایران و عراق" گروهی از مردم آزادی خواه و صلح دوست در استکهلم، اوملو، مالمو و چند شهر و کمپ دیگر راه پیمائی کردند. تظاهر کنندگان پلاکاردهائی با شعارهای زیر حمل می کردند:

— به جنگ ایران و عراق خاتمه دهید!  
— صلح آری، جنگ نه!

— همبستگی با مردم ایران و عراق

— زندانیان سیاسی ایران و عراق را آزاد کنید.

تظاهر کنندگان در مراکز شهرها اجتماع می کردند و سخنرانان گوشه مائی از فجایع جنگ را بقیه در ص ۲

## فراخوان شورای امنیت برای پایان جنگ

در ص ۴

## سخنان نماینده اتحاد شوروی هنگام طرح مسأله جنگ ایران و عراق

در نشست شورای امنیت در ص ۴

## سخنان نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکائی کارگران ایران در یازدهمین کنفرانس سندیکائی جهانی

در ص ۸

## افسانه صدور کالاهای غیر نفتی

تنزل سریع بها نفت و کاهش درآمد دولت از سوئی و سقوط سریع ارزش دلار، رژیم رابا بحران عظیم مالی روبرو ساخته است. سران رژیم برای برده پوشی این بحران که اقتصاد کشور را در آستانه ورشکستگی قرار داده، مانند همیشه دست به دامان تبلیغات شده اند. در این اواخر روزی نیست که صدا و سیما ج.ا. از افزایش به اصطلاح مستمر صادرات غیر نفتی سخن نگویند.

افزایش صادرات غیر نفتی ایران افسانه ای بیش نیست. همه می دانند که کشور ما از لحاظ اقتصادی عقب مانده است. اقتصاد کشور تک کالائی است، یعنی فقط با صدور نفت می تواند به حیات خود ادامه دهد. صنایع ایران بطور عمده عبارتند از صنایع مونتاژ، یعنی این که از لحاظ مواد خام، نیم ساخته، قطعات منفصله و نیز ماشین آلات و تکنولوژی درست به بازار جهان سرمایه داری وابسته است. این صنایع مظهر کامل سیاست نواستعماری امپریالیسم است که در دوران حاکمیت شاه معدوم به مین ماتحمل شده است. رژیم ج.ا. تا امروز گامی در جهت تغییر ساختار صنعتی کشور برنداشته است.

طی هفت سال اخیر، رژیم از طریق درآمد نفت مبلغی بیش از ۱۲۰ میلیارد دلار بدست آورده است. بقیه در ص ۵

## فعالیت در درون تشکل های صنفی علنی

آزادی تشکل و فعالیت صنفی مستقل، مانند دیگر آزادیهای دمکراتیک، در کشور ما وجود ندارد. تشکیل کانونهای صنفی زحمتکشان تنها در اختیار رژیم است.

رژیم "ولایت فقیه" مانند رژیم شاه با هر گونه تشکل صنفی و سیاسی مستقل طبقه کارگر دشمنی می ورزد. این دشمنی جهت دار و دارای محتوای طبقاتی معین است. اگر امروز رژیم از برپایی تشکلهای صنفی مستقل طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، از جمله سندیکاهای اتحادیه ها و شوراهای واقعی بگونه ای مرگبار اس دارد، بدون علت نیست. علت هراس و دشمنی رژیم با تشکلهای صنفی و سیاسی زحمتکشان را در درجه اول در خیانت سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی به آماجهای انقلاب و دفاع آنها از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ زمینداران باید جستجو کرد.

تجربه و تاریخ نشان داده است که نیروهای واپسگرا همیشه برای هموار کردن راه پیشبرد منافع طبقاتی غارتگران، کار خود را با سرکوب تشکلهای سیاسی و صنفی زحمتکشان آغاز می کنند. یورش نهادهای سرکوبگر رژیم به حزب توده ایران و غیر قانونی کردن سندیکاهای و انجمنهای صنفی مستقل زحمتکشان در سال ۶۱ از سوی وزارت کار کارگر ستیز جمهوری اسلامی، دقیقاً از اینجا سرچشمه می گیرد.

از آنجائیکه رژیم علیرغم یورش به تشکلهای مستقل صنفی زحمتکشان، خود را قادر به نابودی دستاوردهای مبارزات روشنگرانه حزب توده ایران و دیگر نیروهای انقلابی در جهت سازماندهی زحمتکشان نمی بیند، به منظور آنکه طبقه کارگر ایران را از پیشتناژان انقلابی اش دور سازد، برای خود "سیاست کارگری" ویژه ای سرهم بندی کرده است. رژیم تلاش ورزد که مبارزه صنفی طبقه کارگر را در چارچوب فعالیت در تشکلهای نیم بند و فرمایشی موجود، تحت نفوذ و رهبری خود درآورد. بقیه در ص ۶

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## درود بر کنفرانس ملی...

جنبش، چه از داخل و چه از خارج آن به عمل آمد تا حزب به انشعاب و رفقای حزبی به راه ارتداد کشانده شوند. قاطعیت شما رفقای هیئت سیاسی، برگزاری کنفرانس ملی و تصویب اسناد منتشره، خوابهای خوش و طلائی مردان و خائنان را نقش بر آب و صفوف حزب را منسجم تر کرد...

کمیته شهر هامبورگ طی پیامی از جمله، می نویسد: "امیدواریم با اجرای مصوبات این کنفرانس و با تصفیه صفوف حزب از عناصر متزلزل و رفقای نیمه راه بتوانیم در جهت اهداف عالی و آرمانهای والای حزب، یعنی آزادی - استقلال - عدالت اجتماعی - صلح و سوسیالیسم گامی بلند به جلو برداریم".

یکی از رفقای حزبی "به عنوان یک عضو قدیمی و یک مبارز سالخورده" حزب "از سوی خود و گروهی از رفقای داخل کشور نوشته است: "این کنفرانس برای اعضا و وفادار حزب افتخار آفرین و برای دشمنان قسم خورده حزب و آنهایی که آرزوی انحلال حزب را داشتند، از قبیل گروه سه نفری فوق العاده دردناک بود. رفقای پس از یورش وحشیانه رژیم به حزب و دستگیری اکثریت اعضای بنام کمیته مرکزی مسائلی برای اعضای باوقای حزب بلاجواب مانده بود که تحلیلهای علمی کنفرانس توانست به این سئوالهای بلاجواب، جوابهای قانع کننده ای بدهد. لذا بدینوسیله از آنهایی که با کوشش شبانه روزی "نامه مردم" چراغ راهنمای حزب را روشن کردند و آنهایی که پلنوم ۱۸ را تشکیل دادند، آنهایی که پای بیابانه مشترک را امضاء کردند... و بالاخره آنهایی که کنفرانس وسیع ملی را تشکیل دادند و دوستان و شیفتگان به حزب را امیدوار و دشمنان را مأیوس کردند صمیمانه و رفیقانه تشکر می کنیم و خوشحال هستیم که می بینیم پرچم ظفر نمون حزبمان مجدداً در سراسر کشور در اهتزاز است و تشکیلات از هم گسیخته آن ترمیم گردیده..."

یکی دیگر از رفقان نوشته است: "مسلمانان تشکیل این کنفرانس و ره آوردهای آن، بخصوص در زمینه های مرحله کنونی انقلاب میهن ما، ارزیابی گذشته حزب و همچنین حفظ وحدت ایدئولوژیکی و سازمانی حزب بر اساس مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری ضربه کاری، به دار و دسته ضد حزبی سه نفری و شرکاء وارد خواهد ساخت و بر تصور آن دیگر گروهها و سازمانهایی که در خیال خام خود نابودی و انحلال حزبمان را پیش بینی می کردند بار دیگر مهر باطل خواهد زد."

سازمان حزبی ما در ایتالیا در نامه ای نوشته است:

"رفقای عزیز!

سازمان ایتالیا برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس ملی حزب توده ایران را که پیمانگر روحیه انقلابی و دمکراتیک حاکم در درون حزب است به شما رفقای عزیز هیئت سیاسی و از طریق شما به تمام اعضا و هواداران حزب توده ایران، از صمیم قلب تشکر می گوید.

برگزاری پیروزمندان کنفرانس ملی و مصوبات علمی و انقلابی آن در چنین شرایط پنهانی و دشوار تاریخ کشورمان و در دورانی که دشمنان حزب از خارج و عناصری معدود از درون تلاشهایشان

را برای به زیر علامت سؤال بردن مجموعه استراتژی و تاکتیک حزب در طی ۴۵ سال فعالیت، حمله به سیاست انترناسیونالیسم پرولتری و رد اصول سازمانی یعنی موجودیت حزب توده ایران را به شدیدترین حد ممکن رسانده اند، بی تردید نقطه عطفی در تاریخ حزب پرافتخارمان به شمار می رود و تاثیر عمیقی در تقویت هر چه بیشتر وحدت سازمانی و ایدئولوژیکی حزب و ارتقاء جنبش توده ای و کمونیستی کشورمان در راه سرنگونی رژیم جنایتکار "ولایت فقیه" خواهد داشت.

رفقای عزیز!

مانیز به همراه سایر توده ایها در سیاهچالهای زندان، در سکوت مهارزه مخفی و انتظار و حزن مهاجرت، برگزاری موفقیت آمیز کنفرانس ملی حزب را عزیز می داریم و بیمان خود را با آرمانهای مردمی حزبمان تجدید می کنیم.

به همراه دروهای حزبی،

دستان را می فشاریم.

با پیام یک کارگر توده ای این گزارش را به پایان می بریم:

رفقا، به من خبر دادند که کنفرانس ملی حزب توده ایران با موفقیت به کار خود پایان داده است. برای یک کارگر توده ای که چهل و اندی سال است که افتخار عضویت در حزب توده ایران را دارد، چه چیزی می تواند مسرت بخش تر از این خبر باشد. بادم می آید در بعد از کودتای آمریکائی ۲۸ مرداد ماه در زندانهای حکومت کودتا و از جمله "در حمام لشکر زرهی" (که تبدیل به بازداشتگاه توده ایها شده بود) وقتی که جلدان معروف مثل سرگرد زیبایی و امجد (رئیس رکن دوم فرماندار نظامی) به سراغ محبوسین توده ای می آمدند، داد و فریاد می کشیدند که دیگر کار حزب توده تمام است و امکان ندارد بتوانند دوباره سر بلند کنند. در همان زندان، بسیاری از رفقای توده ای (چه افسر و چه غیر افسر) به این سخنان غلوا میز با یوزخند پاسخ می دادند و نه تنها ذره ای از عشق و علاقه شان به حزب توده ایران کم نمی شد بلکه این حرفیها باعث افزایش ایمانشان نسبت به حقانیت مرام حزب می گردید. در این میان بودند عده ای بخت برگشته که زود جا می خوردند و با اصطلاح امروز می بریدند و بخاطر اینکه ضعف خود را پنهان کنند فلسفه می یافتند و لاف و کزاف می زدند که مسئولیت شکست ما به عهده حزب توده و رهبران آن است.

پس فایده ای ندارد که بخاطر این چنین حزبی مقاومت کنیم. متأسفانه عین جریان فوق مجدداً تکرار و در داخل حزب مظاهر پیدا کرد. منتهی فرق عده ای که در مورد وجه تمایز این دو پدیده به ذهن من خطور می کند، این است که آن عده در زندان و در شرایط سخت در مقابل افرادی همچون گروهیان ساقی که یک جانور درنده ای بود این سخنان را بر زبان می آوردند، ولی این رفقای سابق و نیمه راه، در خارج با استفاده از امکانات خاصی که وجود دارد، بهر صورت باعث امتنان اینجانب و دیگر رفقای هم سن و سالم هست که کنفرانس ملی قاطعانه نسبت به پیشبرد آمل و اهداف حزب در شرایط پنهانی کنونی از خود قاطعیت نشان داده است. آرزو دارم که امر سترگ پیروزی آماجها و آرمانهای حزب و زحمتکشان سریعتر تحقق پذیرد و به عنوان سرباز کوچک ولی وفادار حزب پرزگوار خود امیدوارم

## کی به کیه؟! ۰۰۰

## اداره کردن!

وزیر برنامه و بودجه، در نماز جمعه خرم آباد گفت: "پیش از انقلاب اسلامی، جمعیت ایران در حدود ۲۷ میلیون نفر با درآمدی بالغ بر ۲۴ میلیارد دلار در سال بود. در حالی که فعلاً دولت و نظام جمهوری اسلامی با درآمدی حدود ۱۳ میلیارد دلار، جمعیتی بالغ بر ۴۵ میلیون نفر را در شرایط جنگی اداره می کند."

شخصی برای دیگری تعریف می کرد که روزی به شکار رفته، چون گلوله در تفنگم گیر کرد، خرس مرا گرفت و خورد!

شنونده پرسید: "اما تو که زنده ای و داری زندگی می کنی!؟"

گوینده پاسخ داد: "تو به این می گوئی زندگی، این هم شد زندگی!؟" در جمهوری اسلامی که به شیر برای نوزادان پیدای شود و نه دارو برای سالخوردگان، نه کارگران کار دارند و نه روستائیان زمین، نه دانش آموزان مداد و قلم و دفتر و کتاب دارند و نه معلمان و کارمندان حقوق کافی می گیرند، نه گوشت و مرغ پیدا می شود و نه کره و پنیر، نه نفت گیر می آید و نه گاز و بیل، دولت هم با افزودن بر بهای آب و برق و تلفن و پست و سیگار و هر چه بدستش برسد، مردم را می چاید، فی الواقع باید گفت: آقای وزیر، شما به این می گوئید اداره کردن!؟ این هم شد اداره کردن!؟

## برای ما هم فکری بشود

چندی پیش فرمی از طرف مسئولین وزارتخانه، به مراکز درمانی بهداشتی ارسال شد، منی بر اینکه به کلیه پزشکان ماسین سواری و به گروه استخدامی چهار به پانزده موتورسکلت داده شود حال پرسنلی که کار اصلی عیاد بیمارستانها بدون آنها است و به عنوان تکنسین - بهیار و پرستار خدمت می کنند، انتظار دارند در مورد آنان نیز فکری بشود. کارمند بهداری

اطلاعات (۶۵/۴/۲۴)

## فکری بشد!

طبق اطلاعی که خبرنگار ما بدست آورده است، برای آن که "عدالت اسلامی" کاملاً رعایت شده باشد، قرار شد به پزشکان متخصص اتوموبیل پیکان، به پزشکان غیر متخصص اتوموبیل ژبان، به گروه استخدامی چهار به پانزده موتور سکلیت دنده ای، به تکنسین ها موتور سکلیت گازی، به بهیارها دوچرخه معمولی، به کارمندان دون پایه سه چرخه و به پیشخدمت ها که مستضعف بشمار می آیند "روروک" داده شود!

بتوانم مجری تصمیمات کمیته مرکزی و هیئت سیاسی حزبم در کنفرانس ملی و در شرایط دشوار کنونی بوده، و لاقلاً در پیشگاه زحمتکشان، حزب و وجدانم سرفراز باشم.



صحنه ای از تظاهرات در سوئد

## تظاهرکنندگان در سوئد خواستار

بر می‌شمرند و خواستار پایان جنگ می‌شوند. در استکهلم پراریکسون، یکی از مبارزان نامی و از مسئولان کمیته صلح و در اوملو، آندرش لیدستروم نماینده حزب سوسیال دمکرات به سخنرانی پرداختند و ادامه جنگ را محکوم ساختند. در مرحله پایانی تظاهرات قطعنامه‌ای که به امضا بیش از ۲۰ حزب و سازمان سیاسی رسیده بود خوانده شد و مورد تأیید راه‌پیمایان قرار گرفت. از جمله امضا کنندگان قطعنامه می‌توان از: کمیته صلح سوئد، حزب مرکز (CENTER)، گروه پارلمانی حزب چپ کمونیست، حزب کمونیست کارگری، اتحادیه‌های کارگری، حزب سوسیال دمکرات، حزب سوسیالیست، حزب مردم، اتحادیه‌های جوانان و دانشجویان کمونیست و اتحادیه دانشجویی سوسیال دمکراتها، سازمان صلح زنان،

دانشجویان عراقی، واحد حزب کمونیست شیلی، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین را نام برد. جریان تظاهرات بطور مفصل در روزنامه‌های مترقی سوئد انعکاس یافت.

زنان سوسیال دمکرات، فرم صلح سازمان ملل، انجمن مهاجران سوئد، واحدهای حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، واحد حزب کمونیست عراق و سازمان

## اتحادیه ضد فاشیست‌های هاننور آلمان فدرال: ترویج و گسترش در ایران را متوقف کنید!

اتحادیه تعقیب شدگان از سوی رژیم نازی و اتحاد ضد فاشیستی، در اجلاس سالانه خود، قطعنامه زیر را با عنوانی که در تیتر مطلب آمده، منتشر کرد:

"وضع در ایران روز بروز دشوارتر میشود. جنگ خلیج و رژیم دیکتاتوری خمینی همواره قربانیان بیشتری می‌طلبند. بیش از صد هزار زندانی سیاسی، بدون هرگونه محاکمه‌ای در زندان بسر می‌برند، اعدام و شکنجه روزمره است، زندانیان بسیاری زیر شکنجه شهید می‌شوند و تعداد زیادی نیز از سوی دادگاههای اسلامی به مرگ محکوم شده‌اند. ما اعضای اتحادیه تعقیب شدگان از سوی رژیم نازی و اتحاد ضد فاشیستی، خواهان آن هستیم که:

- به جنگ خلیج پایان داده شود،
- همه زندانیان سیاسی آزاد شوند،
- حقوق بشر در ایران رعایت شود،
- حق خودمختاری به خلقهای ایران داده شود.

ما همبستگی خود را با حزب توده ایران اعلام می‌داریم. به تعقیب و شکنجه و اعدام در ایران پایان دهید."

جنایتکار ج.ا. از همبستگی یزوردانشجویان فرانسوی با مبارزه مردم ایران تشکر کرده است.

در زمان برگزاری کنفرانس، ضدها تن از شرکت کنندگان و هیئت‌های نمایندگی کشورهای مختلف با امضای قطعنامه‌ای ضمن اعلام همبستگی خود با مبارزه قهرمانانه مردم، جوانان و دانشجویان ایرانی علیه رژیم جنایتکار خمینی، خواهان پایان فوری جنگ ایران و عراق و آزادی دهها هزار زندانی سیاسی در ایران شدند.

این کنفرانس، با تصویب گزارش دبیرخانه اتحادیه و تصویب قطعنامه‌های مهمی در زمینه مبارزه دانشجویان فرانسه علیه دولت دست راستی ژاک شیراک، به کار خود پایان داد.

## همبستگی جوانان و دانشجویان فرانسه با مردم ایران

مقتادویکمین کنفرانس اتحادیه سراسری دانشجویان فرانسه در شهر لیمانژ برگزار گردید. در این کنفرانس بیش از ۲۰۰ نماینده از دانشگاه‌های مختلف، که از میان ۳۳۰۰ عضو اتحادیه انتخاب گردیده بودند، و هیئت‌های نمایندگی سازمان‌های یو.ا.ر. شرکت داشتند. به دعوت اتحادیه سراسری فرانسه، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) و سازمان جوانان فدائی (اکثریت) در این کنفرانس شرکت کردند.

هنگام معرفی میهمانان خارجی در کنفرانس شرکت کنندگان با شنیدن نام ایران و نام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) بیخاسته و با کف زدنهای مستند و شعار "زنده باد همبستگی بین المللی" پشتیبانی پرشور خود را از مبارزه جوانان و مردم ایران ابراز داشتند.

در گزارش ارائه شده به کنفرانس - در زمینه بین المللی - در مورد همبستگی با خلق‌های ایران و برقراری صلح در منطقه گفته شد:

"ما خواهان پایان یافتن جنگ ایران و عراق هستیم که اکنون شش سال است ادامه دارد و خسارات جانی و مالی فراوانی بر هر دو ملت وارد آورده است... رژیم خمینی تمامی نیروهای مترقی و دمکرات ایران را تحت تعقیب و سرکوب قرار داده است... ما همبستگی خود را با تمامی نیروهای مترقی و پیشروی ایران و خصوصا جوانان و دانشجویان ایران، که نمایندگان آنها در اینجا حضور دارند، اعلام می‌کنیم..."

از جانب سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) نیز پیامی به مقتاد و یکمین کنفرانس اتحادیه سراسری دانشجویان فرانسه داده شد. در این پیام، ضمن افشای رژیم

## درخواست همبستگی از جوانان جهان

"سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران" در نامه سرگشاده‌ای به جوانان و دانشجویان مترقی جهان توجه آنها را به وضع نابسامان جوانان ایرانی جلب می‌سازد. در این نامه سرگشاده در پیوند با جنگ، خانانان سوسیالیست ایران و عراق آمده است:

"در کشور ما جوانان قربانیان اصلی این تراژدی هستند. اکثریت کسانی که در جبهه‌ها کشته و زخمی می‌شوند، جوانان زحمتکش میهن ما در سنین ۲۵ - ۱۲ سال هستند. در حال حاضر، به اعتراف خود سران رژیم جمهوری اسلامی، ۵۲٪ نیروهای بسیجی را جوانان زیر ۲۵ سال تشکیل می‌دهند."

در جای دیگر این نامه گفته میشود:

"همه مدارس، موسسات عالی آموزشی و دانشگاه‌های کشور به حالت نیمه تعطیل و یا حتی تعطیل در آمده‌اند و دانش آموزان و دانشجویان دسته دسته به جبهه‌ها اعزام می‌شوند. رژیم در شهرهای مختلف، تیمهای شکار براه انداخته است تا جوانان "فراری" را دستگیر و راهی جبهه‌ها کنند."

در پایان نامه سرگشاده می‌خوانیم:

"رژیم جنایتکار خمینی هر روز مرتکب جنایتهای تازه‌ای میشود. اخبار نگران کننده‌ای بدست ما می‌رسد. رژیم قصد دارد با گسترش جنگ، خونریزی فاجعه آمیزی براه بیندازد. ما از همه شما می‌طلبیم تا صدای اعتراض خود را علیه این جنگ افروزی و در همبستگی با خواهران و برادران خود در ایران، که در شرایط دشوار ترور و اختناق می‌رزند، بلند کنید."

\* \* \*

## درود بر زندانیان سیاسی و رزمندگان راه آزادی زحمتکشان ایران!

## فراخوان شورای امنیت برای پایان جنگ

### سخنان نماینده اتحاد شوروی هنگام طرح مسأله جنگ ایران و عراق در نشست شورای امنیت

نماینده اتحاد شوروی: "آنهایی از جنگ بهره می‌برند که خواهان تضعیف ایران و عراق هستند"

در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد که به درخواست "جامعه کشورهای عربی" تشکیل شده بود، هنگام طرح مسأله جنگ ایران و عراق و ضرورت پایان دادن به آن، نمایندگان استرالیا، گویان، دانمارک، چین، ماداگاسکار و تونس نگرانی ژرف خود را در زمینه ادامه جنگ ایران و عراق داشتند. آنها خاطرنشان کردند که جنگ ایران و عراق خطرات و پیامدهای جدی برای صلح و امنیت جهان دربردارد.

بلانگروف، نماینده دائمی اتحاد جماهیر شوروی در سازمان ملل متحد، طی سخنانی از جمله بیان داشت که بررسی همه جانبه جنگ ایران و عراق نشانگر آن است که این درگیری نه تنها برای مردم دو کشور مصیبت و فலاکت ببار می‌آورد، بلکه در عین حال یکی از عوامل عدم ثبات در منطقه است. افزون بر این، این درگیری می‌تواند دامنه ویرانگر هر چه بیشتری بیابد. خاتمه دادن به جنگ که دارد به مرز خطرناکی می‌رسد، خاموش کردن آتش درگیری نظامی و جلوگیری از گسترش آن، به وظیفه عاجل همه دولت‌های صلح طلب تبدیل شده است.

نماینده شوروی سپس خاطرنشان ساخت: اتحاد جماهیر شوروی از همان آغاز درگیری صریحاً و قاطعانه خواستار قطع فوری جنگ گردید. ما بر آن بوده و هستیم که در حل اختلاف‌های بوجود آمده میان دولت‌ها باید از بکار گرفتن تهدید و نیرو اکیداً خودداری ورزید. مسائل مورد اختلاف - از جمله مسائل مورد اختلاف ایران و عراق - باید بدون استئنا از طریق مسالمت آمیز و سیاسی با شرایط قابل پذیرش برای طرفین و با در نظر گرفتن منافع قانونی خلفا حل و فصل گردد. اتحاد شوروی طرفدار آن است که مسائل مورد اختلاف بین این دو کشور در صحنه جنگ، بلکه در پشت میز مذاکره حل شود. باید دقیقاً توجه داشت که تنها آنهایی از این جنگ بهره می‌برند که خواهان تضعیف ایران و عراق هستند و در عدم ثبات عمومی وضع ذینفعند. اتحاد شوروی همیشه قاطعانه مخالف هر تلاشی، به هر دستاویز، بخاطر استفاده از جنگ ایران و عراق به قصد دخالت از خارج در امور کشورهای منطقه بوده و هست.

بلانگروف گفت: اتحاد شوروی تا کنون از کلیه تصمیمات شورای امنیت برای پایان بخشیدن به این جنگ پشتیبانی کرده است. بنظر ما شورای امنیت دارای امکانات گوناگونی برای حل سیاسی اختلاف بین این دو دولت است. در این زمینه ما برای کوششهای دایمی در سازمان ملل متحد نسبت به اعزام هیأت نمایندگی که از سوی شورای امنیت به وی مأموریت داده شده است، اهمیت فوق العاده‌ای قائل هستیم.

آمریکایی، سوئدی، انگلیسی، فرانسوی و غیره تولید کننده اسلحه هندستان قاچاقچیان بین المللی هستند. آنها از فروش تجهیزات نظامی به بهای گران (در مواردی به چند برابر قیمت اصلی) سود کلانی بدست می‌آورند.

جالب است، رژیم ج.ا. که خود را در ظاهر مخالف امپریالیسم آمریکا و اسرائیل معرفی می‌کند، در عمل با انحصارهای آمریکایی و اسرائیلی در ارتباط است.

چندی پیش، دادگاه نیویورک علیه ۱۷ نفر، از آنجمله ۴ نفر آمریکایی و یک سرلشکر بازنشسته ایرانی اعلام جرم کرد. این گروه که با مجتمع‌های نظامی-صنعتی آمریکا در ارتباط بودند، می‌خواستند به ارزش دو میلیارد دلار سلاح‌های آمریکایی و نیز نوازم بدکی به ایران صادر کنند. نوازم بدکی برای تعمیر بمب افکن‌های اف-۴ (خریداری شده از آمریکا در زمان رژیم گذشته، مورد نیاز بود. هم اکنون حدود ۸۰ فروند از این جنگنده‌ها در اختیار ارتش ج.ا. است که بنوشته مطبوعات خارجی فقط حدود ۱۰ فروند از آنها قادر به پروازند.

رژیم خینی برای ادامه جنگ، سیاست نظامیگری را در پیش گرفته است. بخش قابل توجهی از بودجه کشور صرف ارتش و سپاه و بسیج می‌شود. طبق آمار رسمی سالیانه بیش از ۴۰ درصد بودجه کشور به "امور دفاعی"، یعنی جنگ اختصاص می‌یابد. اگر هزینه‌های غیر مستقیم دیگر وزارتخانه‌ها را نیز در نظر بگیریم، این رقم به ۵۰ تا ۶۰ درصد بودجه کشور افزایش خواهد یافت. بدینسان ادامه جنگ یکی از عوامل عمده ورشکست اقتصادی و مالی رژیم و گسترش فقر و فلاکت و بیکاری است.

تصادفی نیست که مردم کشور ما با تغییر شکل و محتوی شعار رژیم به "جنگ، جنگ تا بدبختی" نفرت خود را نسبت به ادامه جنگ ابراز می‌کنند. بدیهی است که فقط با طرح این شعار نمی‌توان به صلح که خواست اکثریت زحمتکش است، دست یافت. برای پایان دادن به جنگ و در عین حال شکستن شیشه عمر رژیم ضد خلقی ج.ا. باید متشکل شد. تا زمانی که ما نتوانیم اعتراض‌های موضعی را به مبارزه پیگیر، منسجم و متشکل تبدیل کنیم، رژیم به سیاست ایران برپادده خود ادامه خواهد داد.

خینی و یارانش از پراکندگی نیروهای سیاسی مرفقی مخالف جنگ بهره‌برداری می‌کنند. آیا زمان آن فرا نرسیده که برای نجات جان میلیون‌ها نفر از هموطنان خود به این تفرقه پایان داده شود؟ حزب توده ایران بر آن است، که علیرغم اختلاف‌های موجود در میان نیروهای سیاسی مرفقی، می‌توان در مبارزه بخاطر پایان دادن به جنگ به موافقت رسید و متحد آدر این راه عمل کرد. این یک وظیفه میهنی و انسانی است. تا زمانی که وحدت عمل در این زمینه حاصل نشده است، جنگ خانمانسوز همچنان ادامه خواهد داشت.

شورای امنیت سازمان ملل متحد در جلسه اخیر خود به اتفاق آرا از رژیم‌های ایران و عراق خواست تا به جنگ ویرانگر و مخرب که بیش از شش سال است که ادامه دارد و صلح و امنیت منطقه را بخاطر انداخته، پایان دهند. شورای امنیت از طرفین مخصوصاً خواسته است تا نیروهای نظامی خود را به پشت مرزهای رسمی عقب کشند و مسائل مورد اختلاف را پشت میز مذاکره حل و فصل کنند. قرار است معاون دبیر کل سازمان ملل متحد بزودی سفری به تهران و بغداد کند و تصمیم شورای امنیت را به اطلاع مسئولان این دو کشور برساند.

این نخستین بار نیست که سازمان‌های بین المللی خواهان پایان دادن به جنگ خانمانسوز میان دو کشور همسایه هستند. اما سران ج.ا. تاکنون به فراخوان‌های صلح پاسخ منفی داده و شعار "جنگ، جنگ تا پیروزی"، را تکرار می‌کنند، در حالیکه خود نیز می‌دانند، در این جنگ هیچ یک از طرفین امکان پیروزی ندارند. شکست مستمر حملات به اصلاح سرنوشت ساز ج.ا. که هر بار با بون و ترف به جهانیان اعلام می‌شود، موید این واقعیت است.

روزی نیست که خبرگزاری‌های جهان خبری درباره حملات هوایی طرفین به شهرها و مؤسسات صنعتی یکدیگر منتشر نسازند. طی یک ماه اخیر مؤسسات صنعتی و محلات مسکونی اصفهان، تبریز، اراک، اهواز، خارک و غیره توسط بمب افکن‌های عراقی مورد حمله قرار گرفته است. رژیم ج.ا. نیز بصره و کرکوک و بغداد و دیگر شهرهای عراق را زیر آتش توپخانه و موشک می‌گیرد. بدینسان نه تنها دهها مؤسسه صنعتی ویران می‌شوند، بلکه مردم بی‌دفاع در هر دو کشور قربانی شهوت جنگ افروزی دوررژیم می‌شوند.

ما بارها خاطرنشان کرده ایم که ادامه جنگ فقط و فقط به سود امپریالیسم آمریکا و متحد استراتژیک آن اسرائیل است. چندی پیش مجله آمریکایی "نیوزویک" از قول یکی از مقامات رسمی اسرائیل نوشت: "من آرزو دارم که این جنگ ۲۰ سال دیگر ادامه یابد". "نیوزویک" پنهان نکرد که این آرزوی خیلی از محافظ دولتهای امپریالیستی غرب نیز هست. مثلاً، هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده آمریکا زمانی بشکل تحریک کننده‌ای اظهار داشت که "یگانه چیز مایه تأسف در این میان آن است که فقط یکی از طرفین می‌توانند جنگ را ببازند".

آیا مواضع امپریالیسم آمریکا و همدست اسرائیلی آن را روشنتر و صریحتر از این می‌توان بیان کرد؟ امپریالیسم و همدستانش در منطقه در تضعیف هر دو کشور ذینفعند. اینکه در این جنگ بیش از یک میلیون ایرانی و عراقی جان خود را از دست داده و یا معلول شده‌اند، برای امپریالیسم حائز اهمیت نیست.

باید خاطرنشان ساخت که قاچاقچیان بین المللی تجهیزات نظامی طرف معامله سران ج.ا. هم در ادامه جنگ ذینفع هستند. انحصارهای

## نابود باد جنگ، زنده باد صلح

## کمک تسلیحاتی آلمان غربی به جمهوری اسلامی

ماهنامه "کولتور اوند گزلسافت" ("فرهنگ و جامعه") چاپ هامبورگ در شماره ژوئن ۱۹۸۶ خود زیر عنوان "منع، پیکرد و سرکوب" مقاله افشاگرانه‌ای درباره رژیم ترور خمینی، و بویژه سیاست جنگ افروزان، ضد فرهنگی و ضد هنری آن، نوشته است.

در این مقاله آمده است، که جنگ ایران و عراق تاکنون حداقل ۸۵ هزار تن کشته و ۲/۷ میلیون نفر زخمی بار آورده است - ارقامی که بتدریج به پی آمدهای خانمانسوز جنگ ویتنام نزدیک می شود. "فرهنگ و جامعه" می افزاید:

"کنسرن های آلمان فدرال از بابت این جنگ، که درباره آن سکوت مرگ اختیار شده است، سدهای هنگفتی به جیب می ریزند. بر پایه اطلاعات "فراکسیون سبزها" در پارلمان آلمان فدرال، کشور ما در سال های ۱۹۸۵ - ۱۹۸۲ بیش از ۶/۵ میلیارد مارک کامیون و دیگر وسائل حمل و نقل به مناطق جنگی فرستاده است. بنابر این می توان گفت، بدون کمک نظامی آلمان غربی (که رسماً به آن عنوان کمک "غیر نظامی" داده می شود) جنگ خلیج می توانست کمتر خونبار شود و از دوام و شدت کمتری برخوردار باشد."

ماهنامه آلمان غربی از کم توجهی افکار عمومی این کشور نسبت به اختناق جگه فرما در ایران گله می کند و می افزاید:

"اما واقعیت های ایران شکی باقی نمی گذارد: مردم ایران به همبستگی ما نیازمندند. جنبش صلح ما دیگر نمی تواند درباره جنگی بی تفاوت باشد که روزانه به مرگ صدها جوان ایرانی می انجامد. بویژه آنکه، در این جنگ هرچه بیشتر از جنگ افزارها و مهمات جنگی

آلمان غربی استفاده می شود. نه در شیلی و نه در آفریقای جنوبی آپارتایدزده، مخالفان سیاسی و مذهبی را چنین سبانه، آنچنان که در ایران آیت اله خمینی مرسوم است، سرکوب نمی کنند. در هیچ جای جهان شماره زندانیان سیاسی، موارد شکنجه و "تعزیر"، آزارهای عمومی، آدم ربائی ها و کشتارها به پای ایران نمی رسد. در مارس ۱۹۸۳ در ایران روزانه بطور متوسط ۶۰ تن اعدام می شوند."

"فرهنگ و جامعه" پس از توصیف مشروح وضع فاجعه بار فرهنگ و هنر در ایران می نویسد: "در ایران، مانند کامبوجیای "خمر سرخ"، روشنفکران از جمله بزرگترین خرابکاران بشمار می آیند، جهل به غرور ملی ارتقا یافته و خواندن کتاب های غیر مذهبی ممنوع است."

به نوشته این ماهنامه، موسوی نخست وزیر ج.ا. که خود زمانی دست اندر کار هنر بوده در سال ۱۹۸۴ فرصت طلبانه تظاهر کرد که با فرهنگ و هنر "غیر اسلامی" بکلی بیگانه است. میراث غنی هنر و ادبیات غیر اسلامی نابود می شود.

یاسداران خمینی تاکنون ۱۵۷ یادبود دوران پیش از حضرت محمد را ویران کرده اند. در تبریز اپرای شهر به نمازخانه تبدیل شده است. مدارس هنری را بسته اند و وسائل نقاشی را تنها از طریق دولت می توان بدست آورد. "فرهنگ و جامعه" ادامه می دهد:

"تقریباً انتشار و مطالعه همه آثار بشردوستانه جهانی در ایران ممنوع است. از رومن رولان گرفته تا ماکسیم گورکی، از پابلو پودا گرفته تا ناظم حکمت، از جیمز جونز گرفته تا گابریل مارکس. همچنین داستان های کوتاه صد بهرنگی،

غیره.

اکثر کشورهای نظیر ایران صادر کننده، این کالاها هستند و در این زمینه با ایران رقابت می کنند. به همین سبب صدور اینگونه کالاها روز بروز با مشکلات عدیده روبروست. از سوی دیگر ورشکست تولید کشاورزی، میزان صادرات محصولات آن را بیش از پیش تقلیل می دهد.

در مورد مواد کانی باید خاطر نشان ساخت، در صورت وجود کارخانه های تبدیل مواد کانی به مواد نیمه خام و اولیه امکان آن بوده که این مواد در داخل کشور بکار گرفته شود. ولی، در حال حاضر این مواد به شکل خام که از لحاظ وزن سنگین و از لحاظ قیمت ارزان است، به خارج حمل می شود. بحران اقتصادی در کشورهای رشد یافته صنعتی هم بهای مواد خام رانی اندازه کاهش داده وهم مصرف آن را بعد اقل رسانده است. در این زمینه باید خاطر نشان ساخت که رشد سریع انقلاب علمی و فنی امکان تولید مواد جانشین را فراهم ساخته که این نیز در کسادی بازار مواد کانی تاثیر فراوانی دارد.

مبالغین رژیم امکان صدور تولیدات صنعتی با دوام، از قبیل یخچال، تلویزیون، اتومبیل و غیره را مطرح می سازند. در این باره چه می توان گفت؟



برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه خورا نشدید کتاب!

که شهرت جهانی دارند، غیرمجاز اعلام شده اند."

بنابر اطلاع ماهنامه آلمان غربی، "این اواخر حتی خواندن "دوزخ" دانته و "رویای شب تابستان" شکسپیر نیز بخاطر "ستایش برهنگی" قدغن شده است."

یکی از دیگر قربانیان رژیم جهل پرور خمینی موسیقی تئودور آکس، آهنگساز و خواننده مترقی یونانی است، که گویا آهنگ هایش مسبب تحریک جنسی "است."

"فرهنگ و جامعه" در پایان با اشاره به این واقعیت که بسیاری از هنرمندان ایرانی بخاطر مبارزه با رژیم وادار به ترک کشور شده اند واز جمله در آلمان غربی در مهاجرت بسر می برند، لزوم کمک همه جانبه به آنها را یادآور می شود.

پوشیده نیست که همه این مصنوعات در ایران مونتاژ می شوند. بدیگر سخن رژیم برای، مونتاژ آنها نیاز به ارز خارجی برای، خرید قطعات منفصله دارد. انحصارهای امپریالیستی تولید کننده این قطعات آنها را به قیمت گران به ایران می فروشند. از این گذشته بازده کار در صنایع مونتاژ ایران به مراتب پائین تر از صنایع مشابه در خارج است. وانگهی مدلهائی که انحصارهای خارجی تکنولوژی تولید آن را به ایران تحمیل می کنند، تقریباً کهنه است. بدینسان اولاً هزینه تولید اینگونه مصنوعات در ایران به مراتب بیش از خارج تمام می شود و ثانیاً، بازار اینگونه کالاها در جهان سرمایه داری، تحت نظارت کامل انحصارهای فراملیتی است.

همین چندی پیش بود که در گردمائی مدیران شرکتها و کارخانه های تحت پوشش بانک صنعت و معدن گفته شد که برخی از این واحدها "برای چیر این هزینه های بالای تولید، قیمت داخلی تولیدات خود را افزایش می دهند. بطوری که یک دستگاه تلویزیون رنگی ساخت و مونتاژ داخل به ۵۰ هزار تومان بفروش می رسد". وقتی در بازار جهانی قیمت همین تلویزیون یک سوم قیمت آن در ایران است، بقیه در ص

## افسانه صدور کالاهای...

چنانکه در گزارش یانوم ۱۹ به کنفرانس ملی گفته شده، با این ثروت عظیم امکان آن بود که زمینهای یک اقتصاد سالم را به تدریج بوجود آورد. اما سران امر تجع ج.ا. مانند گذشته به سیاست ایران برپادده افزایش مستمر واردات کالا از خارج ادامه دادند و ایران را به بازار فروش کالاهای، انحصارهای فراملیتی تبدیل کردند.

نتیجه این سیاست عمیقاً ضد ملی راهم اکنون میلیونها ایرانی در زندگی روزمره خود حس می کنند. گستره فاجعه ناشی از این سیاست ضد ملی با در نظر گرفتن کاهش سریع درآمد حاصله از فروش نفت و با توجه به سیاست ضد خلقی ادامه جنگ خانمانسوز و بی حاصل غیر قابل تصور است.

بدون ذره ای، تردید می توان گفت که رژیم به هیچ وجه قادر نخواهد بود که از طریق صدور کالاهای غیر نفتی، نیازهای اقتصاد ملی به ارز خارجی را تأمین کند. علت نیز روش است. مهمترین اقلام صادراتی ایران طی دهه سال عبارت بود از کالاهای سنتی، پاره ای از محصولات کشاورزی، فرش دستباف، سنگهای معدنی، پوست و روده و

## فعالیت در درون تشکلهای صنفی...

### افسانه صدور کالاهای...

چگونه می توان آن را صادر کرد؟ در همان گردهمایی، مهندس کلاهدوز معاونت صنعتی و بهره برداری وزارت صنایع گفت: "در سال جاری هیچگونه ارزی در اختیار تولید کنندگان کالاهائی که ضرورت تولید و عرضه آنها کمتر احساس می شود و به عبارت دیگر جزو کالاهای غیر ضرور قلمداد می شود قرار نخواهد گرفت. این واحدها بناچار می باید از ارزهای صادراتی خود استفاده کنند."

وی نامی از کالاهائی که غیر ضرور قلمداد می شوند نبرد. در واقع بخش اعظم کالاهای مورد نیاز جامعه در قاموس دست اندرکاران رژیم "ولایت فقیه" غیر ضرور هستند. در قانون جدید مبارزه با احتکار، کالای ضرور مانند هر ارسال پیش خرما و کشمش و جو تعیین شده است.

وانگهی صنایعی که از لحاظ مواد اولیه و نیم ساخته و قطعات منفصله وابسته به خارج هستند، در صورت عدم دریافت ارز چگونه می توانند به تولید ادامه دهند تا بتوانند محصولات خود را برای تأمین ارزی به خارج صادر کنند؟

چنانکه ملاحظه می کنید افزایش صادرات کالاهای غیر نفتی افسانه ای بیش نیست. در سال گذشته درآمد ارزی ایران حدود ۱۵/۸ میلیارد دلار بود. فقط ۵۰ میلیون دلار از این مبلغ از محل کالاهای غیر نفتی حاصل شد. می گویند شاید امسال این مبلغ به دو برابر افزایش یابد. بفرض محال اگر این آرزو نیز عملی شود چه دردی را دوا خواهد کرد؟ بقول شاعر:

خانه از پای بست ویران است.

خواجه در بند نقش ایوان است

اگر وضع به همین منوال ادامه یابد، واحدهای تولیدی و صنعتی موجود یکنی پس از دیگری بسته خواهد شد و صد ها هزار کارگر دیگر به اردوی عظیم بیکاران خواهند پیوست، قیمت ها سیر صعودی خواهند پیمود، تورم شدت خواهد یافت. در این میانه مشتی تجار محتر و بیگمار ثروت خود را از طریق غارت مردم افزایش خواهند داد و فقر و مسکنت دامنه وسیعتری خواهد گرفت.

## کارگران مبارز!

## برای دستیابی به

## خواستهای صنفی

## و سیاسی خود

## متشکل و متحد شوید!

باید از این تشکلهای که عده ای از کارگران در آنها گرد آمده اند، دوری جویند. پای خود را از این تشکلهای بیرون کشیدن یعنی خالی کردن میدان برای مردم فریبی عوامل دشمن و عناصر ناسالم و وظیفه کارگران آگاه و فعالان صنفی علاوه بر تلاش برای ایجاد هسته های رهبری صنفی مخفی عبارت است از رفتن در داخل تشکلهای صنفی علنی موجود برای روشن کردن کارگران، بی اثر ساختن فعالیت دست پروردگان مزدور رژیم در درون این تشکلهای سرانجام یاری رساندن به سازماندهی کارگران و متحد کردن آنها در یکپارچه خاطر دستیابی به حقوق برحق و عادلانه شان. تنها از این طریق می توان اشکال و شیوه های مبارزه مخفی و علنی را به گونه ای درست و منطقی با یکدیگر در آمیخت. کارگران آگاه و فعالان صنفی تنها از این طریق می توانند در حل مسائل اقتصادی و اجتماعی، در فعالیتهای سازمانی و در انتخابات کانونهای صنفی و پیش بردن آماجهای واقعا کارگری به کارگران و زحمتکشان یاری رسانند و اعتماد توده های مردم را جلب کنند و در عین حال تلاشهای توطئه گرانه عوامل رژیم را در تشکلهای قانونی فاش سازند و آنها را منفرد کنند. هدف اصلی، اتحاد و سازماندهی هر چه بیشتر کارگران و جلب آنها به مبارزه در راه بهبود شرایط کار و زندگی با بهره گیری از همه امکانات از جمله تشکلهای صنفی علنی است.

با این وجود هرگز نباید از یاد برد که خواست برپایی تشکلهای صنفی مستقل، از جمله و بویژه سندیکاهای واقعی کارگران، آن هم بدست خود آنها، یکی از خواسته های عده کارگران بوده و هست و مبارزه در این راه باید همچنان با تمام توان ادامه یابد. ولی تا زمانیکه امکان تشکیل سندیکاهای مستقل و واقعی کارگران و زحمتکشان وجود ندارد، باید حداکثر بهره برداری را از تشکلهای موجود بعمل آورد و با مبارزه در داخل این تشکلهای آنها را بسوی تبدیل شدن به تشکلهای مدافع حقوق صنفی کارگران هدایت کرد.

میزان اهمیت بهره برداری از تشکلهای علنی موجود تا آن پایه است که در قطعنامه کنفرانس ملی حزبمان نیز در این باره به روشنی گفته شده است:

"در شرایط موجود، تشکل علنی در "شوراهای اسلامی کار" متمرکز است که زیر کنترل شدید رژیم و چشم و گوشهای آن، خصوصا انجمنهای اسلامی قرار دارند. رژیم حتی تشکیل این شوراهای را نیز در کارخانه های بزرگ و مادر و همچنین کارگاه های که تعداد کارگران آنها کمتر از ۲۵ نفر است، ممنوع کرده است. کنفرانس مقرر می دارد که رهبری آینده حزب باید با استفاده از امکانات تشکیلاتی و تبلیغاتی خود در جهت هر چه بیشتر سیاسی-صنفی ساختن این شوراهای و بنیانگذاری هسته های حزبی در آنها، تلاش ورزد. بنا بر این استفاده از تشکلهای صنفی موجود و سازمان دادن تشکلهای مستقل کارگری، اهمیت مبرم دارد."

در شرایط ترور و اختناق کنونی، هسته های حزبی و فعالان صنفی توده ای باید در راه اجرای این رهنمود و وظیفه انقلابی از هیچ کوششی دریغ نورزند.

حال، با توجه به این که در شرایط کنونی رژیم کارگرسنتز "ولایت فقیه" نه تنها وجود تشکلهای صنفی مستقل، بلکه حتی وجود برخی از تشکلهای نیم بند تحت نظر خود را نیز نمی تواند تحمل کند و هر کوششی برای سازماندهی زحمتکشان و دفاع از حقوق و خواسته های برحق و عادلانه آنان را سرکوب می کند، در ارتباط با تشکلهای صنفی قانونی موجود چه سیاستی را باید در پیش گرفت؟

سیاست حزب مادر قبال این تشکلهای عبارت است از شرکت آگاهانه در آنها به منظور پیشبرد منافع طبقاتی زحمتکشان. پیش از آنکه موضوع را بیشتر بشکافیم، تذکر ۳ نکته ضروری است:

اولاً: خواست ایجاد تشکلهای صنفی از جمله ایجاد سندیکاهای و شوراهای واقعی بیاتر منافع توده های زحمتکش آنچنان نیرومند است که رژیم نمی تواند آنرا نادیده بگیرد؛

ثانیاً: در اینکه رژیم هر کجا بتواند مهره ها و کارگران خود را به تشکلهای درون واحدهای کار و تولید تحمیل می کند و "وزارت اطلاعات" مزدوران خود را در درون این تشکلهای جامی زند و در واقع رژیم تلاش می ورزد گردانندگان اصلی این تشکلهای را از میان "خودی" ها انتخاب کند، تردید نباید داشت؛

ثالثاً: هر کانون فعالیت صنفی، بوسیله هر کس با هر نیروئی که تشکیل شده باشد، همینقدر که تعداد چشمگیری از کارگران و زحمتکشان در آن متشکل شده باشند، می تواند به دست افزار مبارزه تبدیل شود و چه بسا که دیر یا زود به یک کانون فعالیت صنفی واقعی مدافع حقوق کارگران تبدیل گردد و یا در بطن آن یک جریان سالم صنفی شکل بگیرد.

سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی نیز بر این واقعیتها بخوبی آگاهی دارند و از همین روست که از شکل گیری و فعالیت آزادانه و مستقل سندیکاهای، بویژه در واحدهای تولیدی بزرگ که کارگران آنها دارای تجربه و سن مبارزاتی هستند، جلوگیری به عمل می آورند.

در چنین اوضاع و احوالی وظیفه سنگینی بر دوش فعالان صنفی و کارگران آگاه و مبارز قرار می گیرد. آنها باید بدانند که می توان از تشکلهای پاد شده، در محدوده معینی، برای بردن آگاهی طبقاتی در بین زحمتکشان و پیشبرد منافع آنان استفاده کرد. می توان در درون همین تشکلهای کارشکنی های رژیم را از طریق بسیج و ستدهی زحمتکشان زیر پرچم خواسته های عادلانه شان و نیز افشا و منفرد کردن مزدوران رژیم، بی اثر ساخت.

تجربه نشان داده است در صورتی که توده های زحمتکش بخوبی سازمان یابند و پیشاهنگان فعال و آگاه آنها در درون تشکلهای مبارزه شمر بخش خود را دنبال کنند، وجود مزدوران وزارت کار و "اطلاعات" نمی تواند راه زحمتکشان را برای دستیابی به خواسته های شان سد کند. آشکار است که کارگران آگاه و مبارز با مزدوران رژیم و نحوه عملکرد آنها مخالف هستند و بحق آنان را دشمن خود و همه کارگران می دانند، ولی این هرگز بدین معنی نیست که کارگران پیشرو و فعالان صنفی توده ای



**تلاش برای مخفی کردن آمار کشته شدگان جنگ**

آمار کشته شدگان در جبهه‌ها، تیرباران شدگان، معلولان جنگی، مردم محروم و بویژه کودکان خردسالی که در اثر عدم وجود ویا کمبود امکانات بهداشتی و پزشک و دارو و درمان در مناطق مختلف کشور جان می‌سپارند، در تاریخ معاصر کشورما و حتی در منطقه نسبت به بسیاری از عقب افتاده‌ترین کشورهای سابقه است. اما رژیم ج.ا. که همواره در پی فریب دادن مردم و پنهان ساختن دست‌های آلوده به خون خویش است، تلاش می‌ورزد تا این آمار را از چشم مردم و جهانیان مخفی نگهدارد.

در پرسشنامه‌های مربوط به سرشماری عمومی نفوس و مسکن - که از مهرماه امسال آغاز شده - به مسئله مرگ و میر در اثر بیماریهای گوناگون و نبود و یا کمبود بهداشت و تغذیه سالم و کافی اشاره نشده و تلاش شده است که آمار کشته شدگان در جبهه‌ها، معلولان جنگی و تیرباران شدگان در چارچوب سئوالهای کلی و محدودیت زمانی نامعلوم باقی بماند. بدین ترتیب که در ستون ۱۴ (مربوط به معلولیت) به هیچ وجه به معلولیت ناشی از جنگ اشاره نشده است و در ستون ۲۳، واقعه "شهادت" از فوت متمایز نگردیده و تنها سئوال شده که "آیا طی ۱۲ ماه گذشته واقعه شهادت یا فوت در این خانوار اتفاق افتاده است؟"

**پاسداران کلانتری کرج را اشغال کردند**

بر سر زد و خورد یک پاسبان و یک پاسدار، گروهی از پاسداران کلانتری یک کرج را اشغال و ابواب جمعی آن را خلع سلاح کردند. این کلانتری تا دو ساعت بعد از نیمه شب در اختیار پاسدارها بود و علیرغم تلفن‌هائی که از "بیت امام" شد از تحویل

کلانتری به ماموران شهربانی سرباز زدند. پاسداران اعلام کردند که فقط تابع محسن رضائی هستیم و از او دستور می‌گیریم. سرانجام سرهنگ هاشمی معاون شهربانی به محل رفت و کلانتری را پس گرفت.

**وناگهان فریب‌رزدی "حجت الاسلام" شد**

"حجت الاسلام" فریب‌رزدی که امروز در مقام سفیر ایران در سرالئون در خدمت رژیم ج.ا. است، تا چندی پیش چنین لقبی نداشت. وی در آغاز کارمند ساده دانشگاه پزشکی بود، اما دیری نپائید که توانست اعتماد رژیم شاه را به خود جلب کند و با استفاده از مدرک لیسانس مرحمتی دانی جان خود (بدیع الزمان فروزانفر) در دوره ریاست عالیخانی به مدیریت کل و تام الاختیار کارگزینی دانشگاه تهران منصوب شود. او چند برادر دارد، هر یک با نام خانوادگی متفاوت. این از زرتکیهای برادران بود، تا هنگام ضرورت بدین این که شناخته شوند به یاری هم بشتابند. فریب‌رزدی صدقی هنگامی که در پست مدیر کلی بود، با پیشه کردن روش خشونت و دست زدن به توطئه به مقاصد خود می‌رسید. پس از عزل عالیخانی، با گرفتن پست مدیریت کل کارگزینی، سر و کله‌اش در وزارت علوم پیدا شد و مدتی رادر آنجا گذراند. دیگر نامی از او شنیده نشد تا این که چندی پیش روزنامه‌های مجاز کشور نوشتند که در مقام سفیر ایران به سیرالئون رفته است. چالب این که، اخیراً در روزنامه "اطلاعات" ۸ تیر ۶۵ از وی با عنوان "حجت الاسلام" یاد شده است که لباس دخترانه اسلامی را در آن کشور توزیع می‌کند. این مسئله چندان عجیب نیست. فرصت دلبران هر لحظه می‌توانند رنگ عوض کنند.

به چنین کسانی می‌گویند "گر به مرتضی علی" و به مصداق این که "هر لحظه به رنگی بت عیار در آید" آقای صدقی، همکاسه عالیخانی و مدیر کل او، ناگهان مذهب مذهبی می‌گیرد و "حجت الاسلام" می‌شود.

**خبرهایی از زاهدان**

- فرزند عبادی امام جمعه زاهدان، دانش

آموزگلاس سوم دبیرستان است و همیشه پاکلت در کلاس حاضر می‌شود.

- هنگامی که عبادی و گروهی از رؤسای ادارات دولتی با یک مینی‌بوس قصد داشتند برای سرکشی به "جبهه‌ها" بروند، ماموران آکامی شهربانی زاهدان پس از بازرسی مینی‌بوس مربوطه، ۱۷ کیلو هروئین کشف کردند.

- دو جوان به جرم سوار شدن بر موتورسیکلت "پاماما ۷۵۰" مورد اصابت گلوله کلبه کلبه کلبه می‌شود. زاهدان قرار گرفتند و از پا در آمدند. پس از قتل معلوم می‌شود که یکی از جوانان مقتول شخصی بنام "سید مهدی هاشمی" است که بی‌دلیل به او تیراندازی شده است. این شخص شهید اعلام شد. در اعتراض به این قتل دانش آموزان دبیرستان دخترانه پروین دست به اعتصاب زدند و از رفتن به کلاس خودداری کردند. دیوارهای مدرسه از شعارهای مرگ بر کمیته‌ای پر شده بود.

- "کمیته انقلاب اسلامی" زاهدان ۲۰ نفر از روسپیان را به استخدام خود در آورده است. کار آنها این است که در خیابانهای شهر پرسیه بزنند و جوانهای "هرزه" را شناسایی و به کمیته معرفی کنند. چنین جوانانی دستگیر و به جرم "زنا" در مقابل مردم تعزیر می‌شوند. تاکنون دو نفر از کسانی که تعزیر شده‌اند، در اثر شدت ناراحتی دست به خودسوزی زده‌اند.

- سیستمهای مقیم زاهدان شرکت در نماز جمعه را تحریم کرده‌اند.

- بالغه بر ۴۰۰ نفر از ماموران رژیم با عنوان "راهبان نور" ظاهراً برای مبارزه با قاچاق به زاهدان آمده‌اند و در نقاط مختلف شهر ساکن شده‌اند. پس از ناآرامی‌هائی که در زاهدان دیده شده، رژیم برای کنترل مردم دست به این کار زده است.

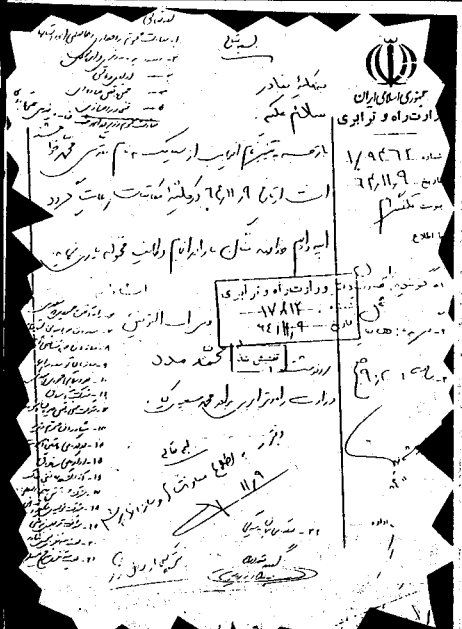
**انتقال ۵٪ از پرسنل ارتش به سپاه**

ستاد مشترک ارتش ج.ا. طی بخشنامه‌ای به "کلیه یگانهای تابعه" ابلاغ کرده است که پنج درصد از پرسنل خود را از هر رشته‌ای از پائین‌ترین درجه تا بالاترین درجه در اختیار سپاه پاسداران قرار دهند.

در بخشنامه گفته شده است که در وهله اول انتخاب افراد بصورت داوطلبانه است و در صورت عدم وجود داوطلب، افراد مورد نیاز بایستی اجباراً - به صورت دوره‌های سه ماهه - در اختیار واحدهای مورد نظر سپاه قرار گیرند. بخش این بخشنامه و همچنین اطلاعاتی که یکی از فرماندهان نیروی هوائی مینی بر اعزام کلیه پرسنل پادگان قصر فیروزه - به استثناء پدافند و خلبانها - به جبهه، موجب اعتراض و تحصن ابواب جمعی این پادگان شد که با دخالت و تهدید پلیس نیروی هوائی و سپاه ظاهراً خاتمه یافته است.

**وظیفه شرعی!**

در کرمانشاه، بدنحال تیراندازی یکی از ماموران کشت کمیته به راننده "یک وسیله" تقلیه که در حال "روزه خواری" بود، یکی از درجه‌داران نیروی زمینی که در حال عبور از عرض خیابان بود، کشته شد. قتل این درجه دار موجب اعتراض و ناراضیتهای همقطاران وی و مردم شد. بعدها کمیته‌چی‌ها ادعا کردند که گویا خود این درجه‌دار در حال روزه خواری بوده و کشتن وی را یک وظیفه "شرعی" قلمداد کرده‌اند.



**تصفیه "نام‌ها"**

بوروکراسی در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و غیردولتی جمهوری اسلامی، هنگامی که در خدمت تصفیه "نام‌ها" قرار می‌گیرد حالت بسیار مضحکی پیدا می‌کند. فی‌المثل یکی از کسانی که در وزارت راه و ترابری صاحب مقام و منزلتی است و به علت تهدیدهای رژیم ناچار شده است که حتی نام خود را تغییر بدهد، برای آن که مراتب را به اطلاع همه برساند، از تمام امکانات اداری بهره‌گیری کرده است. تلفنگرامی که فتوکپی آن را ملاحظه می‌کنید و به "کلیه بنادر" و واحدهای اداری و حمل و نقل ابلاغ شده، از سویی نشان دهنده آن است که چگونه افراد با دستاویزهای کاملاً غیرمنطقی تحت فشار قرار می‌گیرند و از سوی دیگر بیانگر آن است که چقدر وقت و انرژی و بودجه دولتی برای انجام کارهای بی‌بهره به هدر می‌رود.

## سخنان نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارگران ایران در یازدهمین کنگره سندیکایی جهانی

ندارد و در همه جا تقویت عقاید قرون وسطایی حکمفرماست. ده ها هزار تن از دمکرات های مخالف رژیم تئوکراتیک تاکنون اعدام شده اند. رژیم اسلامی کارگران بیکار، نوجوانان و دانش آموزان و حتی زنان را با زور و تهدید و تطمیع روانه جبهه جنگ میکنند، بنا به دستور دولت، تمام موه سسات دولتی، واحدهای صنعتی و کارخانه ها موظفند حداقل ۲۰ درصد کارکنان خود را به جبهه روانه کنند. همه این زشتکاری ها بمنظور صدور "انقلاب اسلامی" انجام می گیرد. سیاست خارجی رژیم با همزیستی مسالمت آمیز تعارض دارد و با جنگ و توسعه طلبی گره خورده است.

نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارگران ایران در پایان سخنرانی خود جنبش سندیکایی و نیروهای مترقی سراسر جهان را فرا خواند که برای استقرار صلح عادلانه میان ایران و عراق برپایه عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و بخاطر تامین آزادی های سندیکایی و دمکراتیک در ایران یاری رسانند.

عوارض این بیکاری فراگیر هستند. در عین حال تورم فزاینده، قدرت خرید بدون آن هم ناچیز کارگران را پیوسته پائین می آورد. بحران مسکن یکی از وخیم ترین مسائل برای خانواده های زحمتکش است و چه بسا پیش از نیمی از درآمدشان را در ازای کرایه خانه های نامناسب و غیر بهداشتی می بلعد.

سیاست رژیم جمهوری اسلامی عبارتست از تقویت بخش خصوصی به بهانه سپردن کار مردم به مردم، دادن کارخانه های دولتی به سرمایه داران، گسترش صنایع وابسته، واکذاری تجارت خارجی به بخش خصوصی و زیر پا گذاشتن تمام حقوق سیاسی و اجتماعی زحمتکش.

سخنران افزود: رژیم جمهوری اسلامی بیش از صدهزار دمکرات، فعالین کارگری و سندیکالیست های ایرانی را زندانی و بطور وسیع مورد آزار و شکنجه قرار داده است و می دهد. تعداد زیادی زیر شکنجه کشته شده اند. در ایران کنونی آزادی سیاسی و سندیکایی مطلقا وجود

در یازدهمین کنگره سندیکایی جهانی که از شانزدهم تا بیست و دوم سپتامبر سال ۱۹۸۶ در برلین - پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان برگزار شد و در آن مسائل فراگیر معاصر و جنبه های ویژه فعالیت سندیکاهای کارگری در کشورها و مناطق جداگانه مورد بررسی قرار گرفت، نماینده کمیسیون ارتباطات سندیکایی کارگران ایران نیز سخن گفت. سخنران وضع فلاکت بار کارگران و زحمتکشان کشور را در شهر و روستا تشریح کرد و پیامدهای جنگ خانمانسوز ایران و عراق را بر زندگی آنان یادآور شد. او گفت در جمهوری اسلامی ایران تجاوز به حق زندگی و حق کار امری پیش پا افتاده است. بحران اقتصادی با ادامه جنگ روز بروز عمیق تر می شود، کارخانه های یکی پس از دیگری تعطیل می شوند و کارگران آنها به ارتش میلیونی بیکاران می پیوندند. در ایران کنونی ۴/۵ میلیون بیکار وجود دارد که اگر خانواده ایشان را نیز در نظر بگیریم باید بگوئیم که بیش از نیمی از جمعیت ۴۲ میلیون نفری ایران گرفتار

### احزاب برادر به حزب \* \* \*

شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست نروژ

### به مبارزات شما

### به دیده احترام می نگریم

به مناسبت چهل و پنجمین سال تأسیس حزب توده ایران (۲ اکتبر) شادباشهای گرم کمیته مرکزی حزب کمونیست نروژ را بپذیرید. حزب کمونیست نروژ به مبارزات فهرومانانه حزب توده ایران در عرصه سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی به دیده احترام ژرف می نگرد. حزب شما علیرغم همه دشواریها توانست با سربلندی نقش شایسته ای در رهبری مبارزات خلق ایفا کند.

حزب کمونیست نروژ اعتقاد دارد که نفوذ و اعتبار حزب در میان طبقه کارگر و مردم بازم بیشتر خواهد شد.

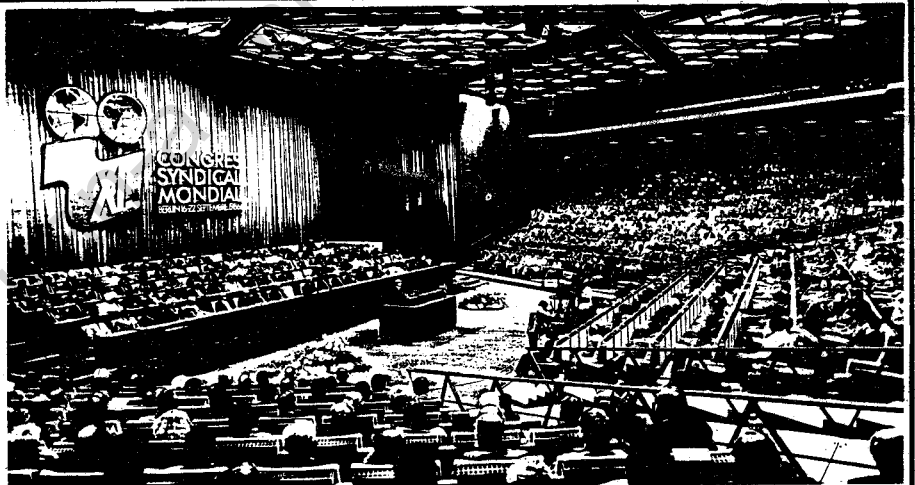
بهترین تهنیت ها را به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد تأسیس حزبیمان ارسال می داریم. زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب کمونیست نروژ

هانس ا. کلهون

- اسلووا ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۶



جلسه افتتاحیه کنگره جهانی سندیکائی - سپتامبر ۱۹۸۶ برلین پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان

## قطعه نامه کنگره جهانی سندیکائی درباره جنگ ایران و عراق

۱- یازدهمین کنگره سندیکایی جهانی، که از ۱۶ تا ۲۲ سپتامبر ۸۶ در برلین، جمهوری دمکراتیک آلمان برگزار گردید، نگرانی فراوان خود را از ادامه جنگ ایران و عراق که وارد هفتمین سال خود می شود، جنگی که باعث تلفات عظیم انسانی و مادی در هر دو کشور گشته است، ابراز می دارد.

۲- تاثیر این جنگ بر اقتصاد و زندگی کارگران دو کشور بسیار مخرب است. ادامه آن خطری واقعی برای منافع مردم منطقه محسوب می شود و به حاکمیت ملی آنان لطمه می زند. این جز در خدمت منافع امپریالیسم، صیهرنیسم و نیروهای ارتجاعی نمی تواند باشد.

۳- حضور ناوگان امریکا در منطقه مدیترانه و

خلیج فارس، مداخله امپریالیسم در منطقه را افزایش می دهد و صلح جهانی را تهدید می کند.

۴- کنگره تاسف خود را از این که تمام تلاش های سازمان ملل متحد و سازمان های غیردولتی برای پایان بخشیدن به این جنگ با شکست مواجه شده است، ابراز می دارد و از تمام ابتکارات سازنده برای پیدا کردن راه حل عادلانه برای پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق استقبال می کند و تمام نیروهای دموکراتیک و صلح دوست و جنبش سندیکایی جهانی را به تشدید تلاش نزد طرفین، برای برقراری صلح عادلانه و عدم مداخله در امور داخلی کشورهای مزبور فرا می خواند.

۱- یازدهمین کنگره سندیکایی جهانی، که از ۱۶ تا ۲۲ سپتامبر ۸۶ در برلین، جمهوری دمکراتیک آلمان برگزار گردید، نگرانی فراوان خود را از ادامه جنگ ایران و عراق که وارد هفتمین سال خود می شود، جنگی که باعث تلفات عظیم انسانی و مادی در هر دو کشور گشته است، ابراز می دارد.

۲- تاثیر این جنگ بر اقتصاد و زندگی کارگران دو کشور بسیار مخرب است. ادامه آن خطری واقعی برای منافع مردم منطقه محسوب می شود و به حاکمیت ملی آنان لطمه می زند. این جز در خدمت منافع امپریالیسم، صیهرنیسم و نیروهای ارتجاعی نمی تواند باشد.

۳- حضور ناوگان امریکا در منطقه مدیترانه و

NAMEH  
MARDOM  
No: 124

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden